

0086

۱۹۹۹

۱

۱۹۶۷

مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم



مارال

حسین جاوید

ترجمہ: اکبر حمیدی «علیار»

۱۳۹۷

سرشناسنامه

: جاوید، حسین. ۱۸۸۲ م.

Javid, Husein

عنوان و نام پدیدآور

: مارال / حسین جاوید / ترجمه اکبر حمیدی علیار.

مشخصات نشر

: قم: آوای منجی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۱۹۶ ص: ۵۱۴ + ۵۱۲۱ س م.

شابک

: ۱۵۰۰۰۰ ریال ۴ - ۰۴۲ - ۶۲۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع

: نمایشنامه ترکی آذربایجانی -- قرن ۲۰م. -- ترجمه شده به فارسی

موضوع

: Azerbaijani drama - 20th century

شناسه افزوده

: حمیدی علیار، اکبر. ۱۳۵۲. مترجم

رده بندب کنگره

: ۱۳۹۷ م ۲ ۱۷ ج / ۳۱۴ PL

رده بندی دیویی

: ۸۹۴ / ۳۶۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۴۳۷۹۸

مارال

- مؤلف: حسین جاوید
- مترجم: ا.ح. علیار
- مقدمه: دکتر اسماعیل زاده دوزال
- ناشر: آوای منجی
- سال چاپ: ۱۳۹۷
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴۲-۱۵۰۰۰ ISBN

کتابین بۆتون حقاری مترجم اوچون قورونور.

دفتر قم: خیابان معلم - ۱۰ متری معلم - کوچه ۵ (شهید فلسفی) پلاک ۴

همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵ - تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۷۰

www.mobineandishe.ir

فهرست (ایچینده کی لر)

۵	 مقدمه (به قلم دکتر میرزا رسول اسماعیل زاده دوزال)
۲۵	 آثار حسین جاوید هدیه ای برای جهان (دکتر سونا ولی یوا)
۲۷	 آشنایی با حسین جاوید (به قلم مترجم مترجم)

متن فارسی

۴۳	 اشخاص
۴۵	 پرده اول
۶۹	 پرده دوم
۸۳	 پرده سوم
۹۹	 پرده چهارم

متن ترکی

۱۱۹	 اشخاص
۱۲۱	 بیرینجی پرده
۱۴۵	 ایکینجی پرده
۱۵۹	 اوچونجو پرده
۱۷۵	 دؤردونجو پرده

مقدمه

به نام خدا

ترجمان بزرگترین متفکر و نمایشنامه مسلمان قفقاز در ایران

ورود قفقاز به قرن بیستم در وضعیتی صورت گرفت که افکار و اندیشه‌های متنوع و متفاوت و بعضاً متضاد قفقازیان تا حدودی در اثر تفکرات پان اسلامیستی سید جمال‌الدین اسدآبادی این اندیشمند وحدت‌گرای مسلمانان داشت سامان می‌گرفت. هر چند افکار سرگردان اندیشمندان قفقاز از هدایت شدن به یک وحدت و انسجام اصولی بازماند؛ ولی اغلب جریان‌های فکری قفقاز با محوریت اسلام‌لاشما (اسلام‌گرایی) معاصیرلشمه (تجددگرایی) و ملی‌لشمه (ملی‌گرایی) تا حدودی به یک مخرج مشترک رسیده بودند.

اغلب جریان‌های فکری قفقاز تنها راه‌هایی را از عقب ماندگی، جهالت، درگیری و ظلم و ستم اجتماعی حاکم بر جامعه آن روزگار قفقاز را در یکی از محورهای ذکر شده می‌دانستند. از میان جریان‌های فکری مطرح و تاثیرگذار قفقاز جریان فکری فیوضاتچی‌ها، ازشادچی‌ها، ملاتصرالدین‌چی‌ها و مذهبیون اصلاح‌طلب بیشتر از

سایر جریان‌ها و گروه‌های اجتماعی- فرهنگی و حتی دینی در میدان مبارزه و فعالیت اجتماعی حضور داشتند. جریان‌های یاد شده در حالی که ایدئولوژی خاص و متعلق به جریان و گروه خود را تبلیغ می‌کردند، این جریان‌های فکری در دو خصیصه بسیار با هم شباهت داشتند: اولاً متفکران و نمایندگان اصلی جریانات فکری مطرح را غالباً شاعران، نویسندگان، ادبا و ندرتاً طبقه اشراف یا روحانیت سنتی تشکیل می‌دادند و ثانیاً همه جریان‌های فکری یاد شده تقریباً در یک نقطه اشتراک داشتند و آن هدایت جامعه به سوی تشکیل حکومت ملی و گذر از احساسات ملی‌گرایی به انسجام ملت‌گرایی و تشکیل حاکمیت مردم مسلمان قفقاز. جریان‌های مختلف سوسیالیستی با فلسفه ماتریالیزم دیالکتیک، ناسیونالیستی با فلسفه اومانیستی و مذهب‌یون مترقی با فلسفه رئالیسم دینی و اجتماعی و ملانصوالدین‌چی‌ها با رئالیسم اجتماعی- ادبی همگی در اندیشه‌ی سامان‌بخشی امور تابستان قفقاز با ایده‌های طرح شده از سوی خود بودند.

جریان فکری ارشادچی‌ها توسط احمد آقا احمد اوغلو و عیسی آشوریگلی ایجاد گردید و در اصل میدان فعالیت نویسندگانی چون محمد امین رسولزاده- نریمان نریمان اوف (اولین رئیس جمهور بلشویک آذربایجان) عزیز حاجی‌بیگوف بود که از ابتدای شکل‌گیری این جریان دو خط متضاد سوسیالیسم و لیبرالیسم مسلمان

به وجود آمد که هر دو جریان موفق به تشکیل حکومت شدند: یکی حکومت ملی دموکراتیک به رهبری محمد امین رسول زاده و دیگری حکومت سوسیالیستی به رهبری نریمان نریمان اوف. شاعران و نویسندگانی چون عبدالله شائق، عبدالرحیم حقونردی اوف، عزیز حاجی بیگوف، جعفر جبارلی، احمد جواد و امین عابد در چارچوب فکری این جریان قلم فرسایی می کردند.

جریان فکری فیوضاتی‌ها توسط علی‌بیگ حسین‌زاده شکل گرفت و ایده‌های ملی‌گرایی ترک بیشتر از پیش و بیشتر از هر جریانی در این نوع نحله‌ی فکری قفقاز بروز و ظهور پیدا کرد. شاعران و نویسندگانی چون حسین جاوید و محمد هادی با ایده‌ی ملی‌گرایی ترک، اسلام‌گرایی و مدرنیسم قلم‌فرسایی می‌نمودند. حسین جاوید بیش از سایر نویسندگان علاوه بر داشتن ایده‌های فوق‌شدیدان زبان ادبی رایج در ترکیه را تقلید می‌نمود و در این مقوله چنان افراط می‌نمود که بعضاً لهجه‌ی مختص زبان و ادبیات ترکیه را در زبان ادبی آذربایجان نیز جاری و ساری می‌نمود. به دلیل همین رویکرد وی مورد اعتراض جریان فکری فیوضاتی‌ها و ملانصرالدینچی و حتی مذهبیون و عامه‌ی مردم قرار می‌گرفت. فلذا این جریان نتوانست در قفقاز از جهت فرم و شکل جا برای خود باز کند و تنها در بخش محدودی از سیر تاریخ ادبی آذربایجان محصور ماند و تداوم پیدا نکرد ولی توانست ایده‌های

جدیدی را در جامعه مطرح کند و غیرت و معرفت دینی را به طور توأمان مطرح سازد. در این عصر اشعار و آثار حسین جاوید در باز معرفتی دین اسلام و نگرش بنیادی به مفاهیم دینی بسیار مؤثر واقع گشت.

جریان ملا نصرالدین‌چی‌ها به رهبری جلیل محمد قلیزاده شکل گرفت و با توجه به دو عامل در جامعه قفقاز تأثیری عمیق و گسترده گذاشت: یکی به دلیل رو آوردن به سبک رئالیسم اجتماعی بود که میرزا جلیل هرچند خود سکولار و مکتب میرزا فتحعلی آخوندوف را پیروی می‌نمود ولی با توجه به کلان‌نگری؛ فرامکتبی و سعه صدر او در نهایت به واقع‌گرایی رو آورده و هر جریان فکری را در جایگاه واقعی خودش می‌دید. عامل دوم حضور افکار رئالیستی و اصلاح‌گرایانه میرزا علی اکبر صابر در قالب مکتب ادبی ساتیریک در نشریه ملانصرالدین بود.

در بین جریان‌های مذکور تنها جریان فکری و عقیدتی مذهبیون اصلاح‌گرا و وحدت‌گرای قفقازی بود که جریان مترقی و جامع و مبتنی بر دین اسلام را با الهام از تعالیم اصیل اسلامی و با در نظر داشت مقتضیات زمان در بستر فرهنگ و سنت آذربایجان تبلیغ می‌کرد. رهبری این جریان فکری را شخصیت‌هایی چون میرمحمدکریم موسوی باکوبی صاحب تفسیر «کشف الحقائق عن نکث الایات و الدقائق»، میرزا علی اکبر صابر و نخبگانی چون زین

العابدین تقی اوف به عهده داشتند.

نکته‌ی قابل توجه در بررسی و جریان شناسی این نحله‌های فکری عبارت از آن است که موتور محرک و کانون تولید اندیشه‌ی این جریانات در اصل همان نویسندگان ادبا و شاعرانی است که علاوه بر اینکه به عنوان موسس و موجد جریان فکری و عقیدتی و اجتماعی مطرح هستند، همچنین نمایندگی جریان ادبی خاصی را نیز به عهده دارند؛ به عبارت واضح‌تر جریانات اجتماعی یاد شده را عمدتاً همین نمایندگان جریان‌های مختلف ادبی هدایت می‌کردند. رهبران جریان‌های اجتماعی در عین حال صاحبان سبک و مکتب ادبی و یا حداقل نماینده و تداوم بخش مکتب یا سبک ادبی خاصی بودند. جریان فکری فیوضاتی‌ها که در کانون نشریه فیوضات شکل گرفته بود، در درون خود و یا در هسته مرکزی خود بزرگانی را جا داده بود که یکی از این صاحبان سبک ادبی، حسین جاوید است که به عنوان موسس و یا حداقل در راس سبک ادبی دراماتیک منظوم قفقاز مطرح است.

ادبیات دراماتیک در قفقاز به ویژه در ژانر پوئما یا نام حسین جاوید عجین می‌باشد. حسین جاوید با استفاده از سبک دراماتیک عقیده و ایده‌های اجتماعی خود را به خوبی بیان کرد. هر چند از حیث زبان نوشتاری که بیشتر تقلید از زبان رایج در ترکیه با لهجه عثمانی بود، در مظن اتهام قرار گرفت، لیکن از جنبه‌ی غنای ادبی،

محتوای فکری، نوآوری‌ها و گسترش ادبیات دراماتیک مورد توجه بوده و به عنوان یک از ارکان دینی، ادبی فکری و هنری آذربایجان همواره مطرح بوده و هست. البته در تحلیل و آنالیز کردن شخصیت علمی و ادبی او نباید از محیط زندگی، زمان و ارتباطات ادبی او با نویسندگان و دراماتورق‌های ترکیه و همچنین جهان بینی اسلامی غفلت کرد. عناصر یاد شده در شکل‌گیری شخصیت جاوید تاثیر عمیق داشته است و در زندگی سراسر تراژدیک حسین جاوید بسیار موثر بوده است، علاوه بر آن عناصر زیر نیز در حیات فکری و ادبی او قابل توجه است.

اول: حسین جاوید در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد و پدرش از روحانیون مشهور نخجوان بوده و در دوران تحصیلات خود در میدان تعارض مدرنیته و سنت هر دو را تجربه کرده است، او هم شیوه آموزش مکتب‌خانه‌ها و هم شیوه آموزش تجدد را در مدرسه محمد تقی صدقی آموخته است و این دوگانگی را حسین جاوید در شخصیت خود به وحدت رسانده است.

دوم: موضوع دوم در بررسی حیات و آثار او مهاجرت وی به ایران (تبریز) و استانبول (عثمانی) است. تاثیر پذیری او از این دو محیط سبب شد که او هم به عنوان ترک‌گرا و هم اسلام‌گرا شهرت یابد. اگر بگوییم، حسین جاوید از جمله شخصیت‌های طراز اول شرق اسلامی است که مفاهیم عالی دین اسلام را در بستر ادبیات

مدرن و هنر جدید تبیین و تبلیغ و آغاز کرد، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

حسین جاوید پس از سپری کردن آموزش ابتدایی برای آموختن زبان فارسی و عربی و علوم دینی به تبریز مهاجرت کرده و در مدرسه طالبیه تبریز که مرکز علم و ادب آن روزگار بوده و سال‌های سال پویایی خود را از دست نداده و محل تحصیل بزرگانی چون سید ابوالقاسم نباتی نیز بوده است، مشغول تحصیل علوم عربی و دینی و ادبیات فارسی شده است. پس از این دوره، حسین جاوید به استانبول سفر کرده و تحت تاثیر شدید شاعران ترک به ویژه حامد ترخان قرار می‌گیرد. تاثیرپذیری از حامد ترخان در حدی بوده که رسولزاده به وی فرزند خوانده حامد ترخان لقب داده است. تاثیرات شاعران ترک بیشتر در آثار "گنج‌میش گونلر" و "بهار شب‌نملری" هویدا است. همچنین این تاثیر در حدی بود که جاوید در زبان نوشتاری خود به شکل افراطی از زبان نوشتاری عثمانی - استانبولی تقلید می‌کند.

در کل در تجزیه و تحلیل شخصیت ادبی - فرهنگی جاوید می‌توان گفت که ریشه‌های فکری جاوید از فرهنگ ایرانی - اسلامی، ادبیات، فرهنگ روسی، زبان و فرهنگ ترکی - عثمانی و نوآوری‌های اروپا در زمینه‌ی ژانرهای ادبی و فرهنگ و ادب قفقازی آب می‌خورد. لذا با توجه به این ریشه‌هاست که جاوید را از هر زاویه

تحلیل کنیم او را یک شخصیت متفاوت می‌بینیم. لذا برخی او را پان اسلامیت، برخی ایده‌آلیست، برخی سنت‌گرا و برخی مدرنیست می‌بینند. در صورتی که وی همه‌ی این گرایش‌ها را در خود به وحدت رسانده است.

او نخستین نویسنده‌ای است که نمایشنامه منظوم ترکی آذربایجان را خلق کرده است و در ادبیات آذربایجان به عنوان نماینده مکتب رمانتیزم معرفی شده است. آثار وی هم از حیث زبان هم از حیث قالب و هم از حیث محتوی و همچنین از حیث سبک قابل بررسی است. نمایشنامه‌های رمانتیک، تراژدیک تاریخی، دینی و اجتماعی جاوید تاثیر بسیار عمیقی در شعر و ادب قفقاز- آذربایجان داشت. اما ریشه‌های دینی او و تاثیر پذیری از مکتب تبریز و استانبول بود که نهایتاً سبب محکومیت وی و زندانی و نهایتاً مرگ وی گردید.

حسین جاوید به عنوان متفکر اسلامی از نودها و مصائب اجتماعی عصر خود کاملاً آگاه بود، او می‌دید که چگونه دینی که سرتاسر مملو از ارزش‌های والای انسانی و کرامت بخشی به انسان است، مفاهیم غنی دینی و مکتب متمدن اسلام در تمام حوزه‌های فکری - عقیدتی - اخلاقی و رفتاری و حقوقی و فقهی - اجتماعی و اقتصادی، چگونه در دست عده‌ای روحانی‌نما و دینداران جاهل و عقب‌مانده و بی‌سواد محصور شده و عملاً تبدیل

به عامل بی‌سوادی و جهل و نادانی کینه و عداوت و تبعیض در بین احاد مردم مسلمان قفقاز شده است. او به خوبی ظلم و ستم‌هایی که برخی از زراندوزان و زورگویان با مستمسک قرار دادن شریعت و با حمایت برخی از روحانیون مرتجع به مردم روا می‌داشتند، آگاهی داشت. او راه مبارزه با این ظلم و ستم اجتماعی ظلم و ستم به دین محمدی و راه مبارزه با این تهاجم همه جانبه به مفاهیم عالی فرهنگ اسلامی را در آگاهی‌بخشی به جامعه و بیدارسازی اجتماع محصور در تاریکی جهل و بی‌سوادی می‌دید. او در این مقام نه تنها به عنوان یک متفکر و اندیشمند مسلمان مطرح است، بلکه به عنوان یک مبارز و اصلاحگر دینی و تجدیدطلب اجتماعی وارد میدان کارزار شده است. اگر مصلحان قفقاز همچون میرمحمدکریم موسوی باکوئی که در حوزه قرآن‌شناسی و تفسیر و حاج زین العابدین در حوزه سرمایه‌گذاری بنیادین در امر آموزش و تعلیمات علوم و فنون و اصول و فروع دینی وارد کارزار با جهل و بی‌سوادی و بدبختی و سوء استفاده از دین شده بودند، حسین جاوید در حوزه هنر و ادبیات دقیقاً همان فعالیتی که دیگر مبارزان قفقازی داشتند، او در این حوزه داشت. فرم شکل و قالب و حتی زبان هنرنمایی و مکتب ادبی جاوید یک بحث است، ولی محتوی و مفاهیم هنر و ادب جاوید یک بحث دیگری است. محتوای آثار حسین جاوید سرتاسر نشان از احیای تراث اسلامی با در نظر

داشت مقتضیات زمان، درک و فهم درد و رنج جامعه و درمان آن می‌باشد. او هم در قالب و شکل بیان بسیار موفق بود که با ابتکار و خلاقیت منحصر به فرد خود شاهکارهایی در نظم و نثر ترکی آذربایجانی به وجود آورد و هم از حیث محتوی چنان ماهرانه و حکیمانه انگشت بر زخم عمیق جامعه و دین گذاشت و درصد درمان آن برآمد. در نهایت شکل و محتوی، فرم و بیان، لفظ و معنی ماهیت مکتب او را شکل داد. او هر چند موسس رمانتیزم در ادبیات آذربایجان محسوب می‌شود، ولی از حیث اندیشه رئالیست مبتنی بر ایده‌آلیزم و واقع‌گراست. او در عین تجددخواهی از سنت و اصول گذشته نبرید؛ چون به خوبی می‌دانست که رمز موفقیت در حوزه‌ی مدرنیته، تغییر و تحول بنیادی، اصلاح وضعیت موجود و پالایش جهالت و نادانی ریشه‌دوانده در همه‌ی حوزه‌های فکری، عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی جامعه و اصلاح فرهنگ بیات و مندرس گذشته، تنها و تنها در پای‌بندی به اصول حقیقی و ریشه‌هاست. بدون اصلاح ریشه نمی‌توان تغییر و اصلاح در جامعه را پیش برد. اما این یک روی قضیه بود که جاوید می‌توانست از عهده‌ی آن بریاید، او در این مبارزه‌ی ادبی و علمی پیروز میدان می‌بود. تلاش بی‌وقفه مبارزان دینی و فکری قفقاز از شیخ شامیل گرفته تا میرمحمد کریم موسوی باکویی، از میرزا علی اکبر صابر گرفته تا میرزا جلیل، از زین‌العابدین تقی‌اوف گرفته تا موسی مختاروف

همگی به واسطه‌ی دین و دانش و مکاتب جدید و آموزش‌های
همگانی و برخورداری از مطبوعات شتابنده دست و پای چهل و بی
سواد را بسته ریشه ظلم و ستم فکری و اجتماعی را داشتند
خشک می‌کردند که با ظهور گوساله سامری این بار از طرف شمال
یخچندان چنان سرما و کولاک را بر جامعه مستولی ساخت که از
شدت سرما و زمستانی بودن فضا غنچه‌های افکار نو و شکوفه‌های
تجدید حیات سوخت و افکار و عقاید خود را پنهان ساخت، تا از
تبر تیز بلشویزم مخوف جان سالم به در ببرند. اما متأسفانه هیچ
یک از نمایندگان مکاتب ادبی، هنری، دینی، علمی، اجتماعی و
حتی فعالان عرصه‌ی اقتصاد و زراعت و صنعت نتوانستند از این
فاجعه و طوفان مرگبار جان سالم به در ببرند و همگان یعنی هر
صاحب اندیشه و فکر و حتی هر فردی که خواندن و نوشتن بلد
بود، از دم تیغ تیز بلشویزم گذرانده شد. در نتیجه یا به سبیری
تبعید شدند و یا در قبر با خاک پوشانده گشتند.

مشکل امثال حسین جاوید، همراهان و همفکران و در اصل هم
دینان و هم وطنان او در دو جبهه بود: دوستانش بی‌مروت،
دشمنانش بی‌امان بود. او مدتی با اصحاب چهل و بی‌سواد و
انحصارطلبان دین مبارزه می‌کرد ولی بعد از ظهور بلشویزم، می
بایست علاوه بر آنها با گروهی و فرقه‌ای مبارزه می‌نمود که اولاً
منشا خارجی و متجاوز داشتند ثانیاً از انسانیت و آزادی فکر و

اندیشه و ارزش انسانیت بویی نبرده بودند. دشمن انسانیت و آزادی و کرامت انسان و فکر و اندیشه بودند. اگر جاوید در جبهه ی اول با تحریف‌کنندگان دین مبارزه می‌کرد، در جبهه‌ی دوم با انحصارگرایان و مصادره به مطلوب‌کنندگان علم مبارزه می‌نمود. زیرا گروه بلشویزم با شعار علم‌گرایی و آزادی خلق‌های شرق به میدان آمده بود و حسین جاوید به خوبی می‌دانست که این شعار بلشویزم تنها برای محکم کردن جای پای خود می‌باشد و الا اینان همان جلادان انسانیت و دریند کشندگان آزادی سو استفاده کنندگان علم و ادب و هنر هستند و چنین هم شد که در سال ۱۹۳۷ بلشویک‌ها با تشکیل مثلث استالین و بریا و میر جعفر باقیروف قفقازیان مسلمان اندیشمند و باسواد را از دم تیغ گذراندند.

درک اوضاع آن روز قفقاز بسیار سخت است، تاکنون هیچ بیانی و فیلمی و اثری نتوانسته است، اوضاع آن روزهای مخوف قفقاز را به تصویر بکشد و یا گوشه‌ای از آن را بیان دارد. اوضاع بسیار دردناکتر و ترسناکتر از آن است که ما فکر می‌کنیم و یا می‌دانیم. ظلم و ستمی که بلشویک‌ها و دانشناق‌های ارمنی در اوایل قرن بیستم بر مسلمانان قفقاز روا داشتند از حیث کم و کیف بیشتر و دردناکتر از ظلم و ستمی است که از ذهن آدمی خطور کند. بنابراین با توجه به این شرایط و اوضاع و ویژگی‌های این جاهلان

سنشی و ظالمان مدرن، بایستی شخصیت عالمان، متفکران و شاعرانی چون حسین جاوید مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به این امر اهمیت و ارزشمندی آثار حسین جاوید هویدا می‌شود. به همین مقدار اهمیت ترجمه آثار حسین جاوید به عنوان متفکر و مبارزه جهان اسلام به زبان‌های اسلامی نیز اهمیت دارد.

آثار و میراث حسین جاوید و یا هر یک از اندیشمندان مسلمان قفقاز نه تنها میراث علمی فرهنگی ادبی و هنری و دینی قفقاز محسوب می‌شود، بلکه در یک دایره‌ای وسیع جزء آثار و میراث حوزه تمدن اسلامی بوده و از میراث مشترک مسلمانان محسوب می‌شود. بنابراین ترجمه آثار این اندیشمند بزرگ جهان اسلام به سایر زبان‌های اسلامی از جمله زبان فارسی از اهم امور است. هر چند زبان و ادبیات فارسی و ترکی ایران از زمان مشروطیت همواره تحت تاثیر نوآوری‌ها و محتوای غنی و سبک‌های جدید ادبی و فلسفی، اجتماعی-سیاسی آذربایجان و قفقاز بوده است و قفقاز همواره نقش کاتالیزور را ایفا نموده است و ادبیات غربی و روسی پس از تصفیه و بومی‌سازی و هماهنگ‌سازی با ارزش‌های اجتماعی شرقی و اسلامی در قفقاز به ادبیات ایران تزریق شده است. بسیاری از تجدد طلبان و نوآوران ایرانی چه در متون سیاسی-اجتماعی و چه در حوزه ادبیات و هنر همچون دهخدا، جلال آل احمد، نیما یوشیج، شیخ محمد خیابانی، میرزا علی معجز، سید

اشرف‌الدین گیلانی، طالبوف، رشديه و از قفقاز متأثر بوده‌اند. این تاثیر در برخی حوزه‌ها آن چنان شدید و عمیق و گسترده بود که بعضاً در حد ترجمه خود را نشان می‌داد. به عنوان مثال ادبیات ساتیریک و شعر نو از جمله حوزه‌هایی است که به طور کلی با ترجمه آثار شعرا و نویسندگان قفقازی در ایران نسج گرفت. سید اشرف‌الدین گیلانی نسیم شمال ترجمان اصلی ادبیات ساتیریک قفقاز میرزا علی اکبر صاحب هوب‌هوب‌نامه می‌باشد.

ترجمه آثار حسین جاوید نیز تا حدودی از این قاعده مستثنی نیست. خوشبختانه به همت و تلاش برخی مترجمان آثار این متفکر اسلامی به برخی از زبان‌ها ترجمه شده است، ترجمه آثار وی به زبان فارسی در ایران به اهتمام و تلاش بی وقفه‌ی شاعر و مترجم آذربایجانی آقای مهندس اکبر حمیدی علیار^۱ صورت

^۱ اکبر حمیدی علیار فرزند صمد در سال ۱۳۵۲ در روستای علیار چشم به جهان گشود، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در رشته‌ی ریاضی و فیزیک در ارومیه به پایان برد و تحصیلات تکمیلی خود را در رشته‌ی برق قدرت دانشگاه شهید عباسپور واحد آذربایجان (تبریز) تداوم بخشید

مهندس حمیدی هنر شاعری خود را از هفده سالگی (۱۳۶۹) با غزل آغاز نمود، اشعارش بیشتر در نشریات «اسلامی بیرلیک» «مهد آزادی» منتشر شده است. وی در همایش‌های مختلف ادبی حوزه‌ی هنری تبریز، دانشگاهها و

فرهنگسرای تهران و همچنین جمهوری خودمختار نخجوان برای شعرخوانی دعوت دعوت شده است.

وی علاقه‌ی شدیدی به موسیقی عاشقانی آذربایجان دارد و خود نیز دلننگی‌هایش را با قوبوز خویش قسمت می‌کند، قالب اشعارش علاوه بر غزل دیوانی، قوشمار، گرایلی و گاه‌آ نیز شعر سبید می‌باشد و از سبک خاصی تقلید نمی‌کند، خصوصیت بارز شعر وی سادگی، طنزآمیز بودن و توجه به وطن و زبان مادری است.

در حال حاضر مقالات و اشعار علیار بیشتر در نشریه‌ی دوهفته‌نامه‌ی «دنبز» در اورمییه و روزنامه‌ی «مهد تمین» در تبریز منتشر می‌شود.

آثار چاپ شده‌ی علیار عبارتند از:

۱- پاییز دوشونجه‌لری (برگردان از الفبای روسی به الفبای عربی) / اشعار بختیار وهاب‌زاده

۲- انال سسی (تصحیح و مقدمه) / اشعار عاشیق سلجوق شه‌مازی

۳- سومرلر (تصحیح، مقدمه و تحقیق) / تاریخ باستان دکتر حجت‌اله ذاکری

۴- انالر امانتی (تصحیح و مقدمه) / اشعار دکتر حجت‌اله ذاکری

۵- بانیقلی کلام (جمع‌آوری، تصحیح، مقدمه) / توجه‌های میرزا محمود خالقی علیار

۶- عاشورا زیارتی و توسل دعاسی (ترجمه) / زیارت عاشورا و دعای توسل با ترجمه ترکی

۷- آرزولارین بنی گولشان‌یاغی (انلیار - پری داستانی) / نظم و نثر اثر مشترک با شاعره و نویسنده‌ی تبریزی خانم سوسن نواده رضی

۸- منظومه‌ی پیغمبر (ص) به انضمام متن ترکی (ترجمه‌ی منظوم) / اثر پیغمبر درامی حسین جاوید

گرفته است. جناب اکبر حمیدی علیر تانکون توانسته است با ترجمه آثار وی گوشه‌ایی از شاهکارهای ادبی و هنری حسین جاوید را به نمایش گذارده و در انتقال فرهنگ و ادب و ایجاد ارتباط فرهنگی-ادبی بین دو کشور نقش مهمی را ایفا نماید. حمیدی علیر که به خوبی با زبان و فرهنگ و ادبیات ایران و آذربایجان آشناست و به ظرائف و دقائق دو زبان و فرهنگ فارسی و ترکی آذربایجان که لازمه ماهوی یک ترجمه خوب است، آگاهی کامل دارد و با توجه به خصائص و امتیازات نویسندگی و شاعری به

۹-نمایشنامه شیخ صنعان به انضمام متن ترکی (ترجمه‌ی منظوم) اثر شیخ صنعان قاجعه‌سی* حسین جاوید

۱۰- آرازیاری مجموعه شعر سونا ولی‌یثوا (کؤچورمه)

۱۱- آرازیاری ترجمه فارسی آرازیاری سونا ولی‌یثوا

۱۲- سئوگی‌لر، دعا‌لار (دعا و عشق) مجموعه شعر سونا ولی‌یثوا همراه با ترجمه فارسی

۱۳- هؤرون دیوارلارا منی / کؤچورمه / شاعر درویش جوانشیر

۱۴- عبادت من تنهایی‌ام هست / ترجمه فارسی اشعار درویش جوانشیر

۱۵- از خزانه جاوید / مجموعه ترجمه‌های پیغمبر، شیخ صنعان و مارال / آثار حسین جاوید

۱۶- یکی دیگر از نقشه‌های صهیونیسم جهانی علیه مسلمانان / ترجمه کتاب بؤیوک اترمنیستان خولیا‌سی اثر صابر شادتختی

۱۷- منیم قیرمیزی چرخیم / شعر کودک ترکی

خوبی از عهده ترجمه برآمده است. زیرا او هم توانسته است با متن اورژینال انس پیدا کند و هم به خوبی مفاهیم و معانی را به زبان فارسی بسیار روان و طبیعی منتقل نماید. اساساً در ترجمه آثار بومی بودن مترجم بسیار مهم و از ضروریات امر ترجمه است. مترجم ما در این حوزه این شانس را به طریق اولی و به اصطلاح دو قبضه داراست. یعنی مترجم هم در زبان اورژینال و هم در زبان ترجمه بومی محسوب می‌شود. او همچون بسیاری از آذربایجانی‌ها هم زبان مادری را به خوبی می‌داند و هم با زبان رسمی کشورش ایران- زبان فارسی آشناست. او متعلق به دو فرهنگ ایرانی و آذربایجانی است. با توجه به این خصیصه و امتیازاتی که مترجم داراست در ترجمه آثار حسین جاوید چه در آثار منظوم و چه منشور بسیار موفق بوده است. قدرت پوئیک و شاعرانه آقای حمیدی علیروی را در ارایه ترجمه منظوم آثار منظوم جاوید موفق نموده است.

آقای حمیدی علیروی تا کنون توانسته است آثاری چون منظومه ی پیغمبر(ص) به انضمام متن ترکی (ترجمه‌ی منظوم)، نمایشنامه شیخ صنعان به انضمام متن ترکی (ترجمه‌ی منظوم) ترجمه و به چاپ رساند. همچنین ترجمه‌ی نمایشنامه مارال از آثار برجسته مرحوم حسین جاوید که پیش روی خوانندگان گرامی می‌باشد. ایشان آثاری را برای ترجمه انتخاب کرده است که هر یک از

آنها نشان دهنده گوشه‌ای از زوایای فکری و عقیدتی مولف می‌باشد. در اثر وزین پیغمبر و شیخ صنعان بیشتر جنبه‌ی دینی و عقیدتی و فلسفی مولف به نمایش گذاشته شده است و مترجم با سلاست و سادگی و روانی توانسته است مفاهیم والای مولف را در ترجمه انعکاس بخشد. در نمایشنامه "مارال" علاوه بر این که هنر بی‌نظیر جاوید در خلق تصاویر و صحنه‌های ابتکاری برای بیان مفهوم حق و عدالت و حقوق انسانی و ارزش‌های والای انسانی هویدا می‌شود، در عین حال فکر اعتراض، حس پایداری، غیرت، پاسداری از آزادی و آزادگی و حقوق انسانی را در حد اعلای خود در فکر و ذهن خواننده احیا می‌نماید.

جاوید در این اثر به طور واضح و روش مفهوم و مضمون آیه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) هر کس کسی را به ناحق بکشد، چنان است که گویی همه مردم را گشته باشد. و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است. - را در قالب داستان بیان می‌دارد و نفرت انسانی را از جنگ و خونریزی به رخ کشیده و به عنوان یک صلح‌جو، مصلح مهر و عطوفت را زیننده جهان انسانیت می‌داند. صحنه‌هایی که در نمایشنامه به آن پرداخته می‌شود، نشانگر آنست که اوضاع روزگار مولف چنان در تاریکی و ظلمت فرو رفته است که انسان دارای

کرامت حتی از حقوق ابتدایی و طبیعی خود محروم است. عناصر مختلف جامعه در چنین اوضاعی سخت در آشفتگی و پراکندگی است. حسین جاوید با اتکا و استناد به مضامین احادیث نبوی و قرآنی برای انسان غرق شده در عداوت و کینه‌توزی و تبعیض و ظلم و ستم اجتماعی، نسخه‌ای را می‌پیچد که بسیار استوار و مستحکم است. او یک قرن پیش جهانیان را به امر حقوق بشر بما هو بشر دعوت می‌نماید و آن را به دعوت بزرگ پیامبر اسلام پیوند می‌زند.

برگردان این اثر وزین به زبان فارسی از سوی مترجم بسیار بجا و با درک نیاز جامعه مخاطب صورت گرفته است. به عبارت روشنتر با ترجمه‌ی این اثر جامعه‌ی مخاطب علاوه بر آگاهی از اوضاع آن روزگار با محیط زندگی مولف، همچنین با اندیشه‌ی والای مولف آگاهی پیدا کرده به ارزشمندی گنجینه‌ی ادبی آذربایجان پی می‌برد. اگر چه ترجمه‌هایی در حوزه ادبیات، شعر، رمان و تاریخ کم و بیش از زبان ترکی آذربایجانی به فارسی در سال‌های اخیر صورت گرفته است، ولی مترجمان ما در انعکاس و انتقال آثار و اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی متفکران و اندیشمندانی چون جاوید فعالیت قابل توجهی نداشته‌اند. با در نظر گرفتن این امر ترجمه چنین اثری که بیانگر قدرت هنر و عظمت فکر و اندیشه‌ی این هنرمند آذربایجانی است، بسیار حائز اهمیت است که شاعر و نویسنده و

مترجم توانمند دیزماری به آن اهتمام ورزیده است. مترجم از این حیث و همچنین از حیث توانمندی در ارایه یک ترجمه موفق قابل تمجید و تحسین می‌باشد.

مدت مدیدی است که اینجانب با آقای حمیدی علیر آشنا هستم. آثار قلمی و اشعار او را تا حدودی مطالعه کرده‌ام. به حق باید اذعان داشت که آقای حمیدی با شوق و ذوق تمام در خدمت به مدنیت، فرهنگ، هنر و ادبیات آذربایجان بوده و کارهای بسیاری را در سطح عالی و آکادمیک به انجام رسانده است. ضمن قدردانی و تشکر از ایشان به جهت پر کردن این خلاء در حوزه ادبیات تلاش شبانه‌روز ایشان در تبلیغ و تبیین آثار ارزشمند و برجسته‌ی زبان ترکی آذربایجان قابل تحسین و تمجید می‌باشد. باید به این نکته توجه داشت که تعداد کمی از مشتاقان و فعالان این حوزه توانسته اند، به دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی در خدمت فرهنگ آذربایجان باشند. میدان فعالیت در این حوزه آنچنان گسترده است که هر چه نویسندگان و هنرمندان و مترجمان ما در این عرصه فعالیت کنند و به تعداد آنان افزوده شود باز کم است.

دکتر میرزا رسول اسماعیل زاده دوزال

رئیس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر سازمان فرهنگ

و ارتباطات اسلامی